

گزارش

نقدی بر اظهارات حسین فرهیدزاده رئیس سازمان حمایت

در حالی که حسین فرهیدزاده، رئیس سازمان حمایت، این روزها را «ضرورت شفاف‌سازی هزینه‌ها»، «ارزش‌گذاری دقیق قطعات» و «همخوانی داده‌ها از کم‌رک تا صورت‌های مالی» سخن می‌گوید، میدان واقعی تولید روی دیگری از واقعیت‌ها را بیان می‌کند؛ تا جایی که نسخه‌های این مقام مسئول فقط روی کاغذ درست به نظر می‌رسد. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان از پشت میزهای اداری، «قیمت واقعی» را تشخیص داد. آن‌هم وقتی چرخ‌دنده‌های صنعت در سایه بدهی قطعه‌سازان، تأخیر پرداخت و ناپایداری ارزی می‌چرخند یا از چرخش متوقف یا در حال توقف هستند؟ سه دهه است که صنعت بالادستی و میان‌دستی کشور زیر سایه عواملی فراتر از تحریم و کمبود سرمایه حرکت می‌کند. مسئله پیچیده‌تر و قدیمی‌تر است؛ تصمیمات لحظه‌ای که مسیر تولید را درگرو می‌کنند، شبکه‌هایی که نام‌شان در میان فعالان اقتصادی به «مافیا» شبیه‌تر است تا تشکل و دخالت‌هایی که آن‌قدر گسترده شده‌اند که تشخیص مرز میان دولت و بنگاه را دشوار کرده‌اند. اما ریشه‌ای‌ترین آسیب، همان است که همیشه تکرار شده؛ پاک‌کردن صورت‌مسئله، پیش از آنکه دیده شود. در چنین بستری، اظهارات اخیر حسین فرهیدزاده درباره «شفافیت مالی» و «ارزش‌گذاری دقیق قطعات»، پیش از آنکه نسخه‌ای راهگشا باشد، ابهام‌برانگیز است. آنجا که پرسش‌هایی بی‌درپی و سلسله‌وار مطرح می‌شود که این شفافیت از کجا باید شروع شود، از پندهای یک آیین‌نامه یا از دل سوله‌ای که کارگزارنش با تأخیر حقوق روبه‌رو هستند؟ آیا می‌شود درباره قیمت منطقی صحبت کرد، وقتی حتی ارزش‌گذاری واردات در کم‌رک با نرخ‌های واقعی بازار، بیگانه است؟ و چگونه می‌توان از «قیمت واقعی» حرف زد، وقتی ده‌ها قطعه‌ساز کوچک ماه‌هاست منتظر مطالبات عقب‌افتاده خود مانده‌اند؟ وقتی رئیس سازمان حمایت می‌گوید کار آنها صرفاً «مالی و حسابداری» است، بیشتر حس می‌شود به صنعت خودرو به‌عنوان یک قربانی نگاه می‌کنند تا یک متولی! این جمله نشان می‌دهد این سازمان تبدیل شده به یک ماشین حساب منفعل؛ مهم نیست خروجی این ماشین بر چه مبنایی است، مهم این است که فرمول را اجرا کرده. او اصرار دارد «صورت‌های مالی معتبر» هستند، اما این یک دور باطل است. اگر کل سیستم قیمت‌گذاری از ریشه براساس مفروضات اشتباه بنا شده باشد –همان مفروضاتی که ریشه در تصمیمات خلق الساعه دارد– دیگر حساسرسی چه سودی دارد؟ یا این یعنی پذیرش شکست در نظارت بر ورودی‌ها و پناه‌بردن به اطمینان کاذب از صحت خروجی‌ها. جایی که صحبت از «ملاحظات» سازمان حمایت در مورد نادرستی ارزش‌گذاری‌ها می‌شود، دقیقاً قلب ماجراست. این یعنی خودشان هم می‌دانند چیزی درست نیست، اما در نهایت می‌گویند ما تابع دستورالعمل شورای رقابت هستیم. در نهایت، این روال کار نشان می‌دهد سیستم ترجیح می‌دهد به‌جای اصلاح بنیادین و کنارگذاشتن تفکر دست‌سوری، به یک «شفافیت نمایشی» بچسبد. تمرکز بر انعکاس دقیق ارزش‌گذاری گمرکی در صورت‌های مالی، یک گام کوچک در مسیر طولانی است، اما تا زمانی که منطق اقتصادی، انضباط مالی و رقابت سالم، جایگزین نگاه سیاسی و رانتی نشود، این صنعت همچنان زخمی خواهد ماند. اگر سازمان حمایت واقعا حامی است، باید شجاعت به خرج دهد و بگوید: «این فرمول شکست خورده است و تا زمانی که زیرساخت‌ها اصلاح نشوند، ما محاسبه‌ای انجام نمی‌دهیم». در غیر این صورت، این فضا تکرار مکرراتی است که همه از آن بی‌بینیم. چندی پیش، امیرحسن جلالی، عضو انجمن قطعه‌سازان تهران، جمله‌ای گفته بود که مانند منبع نور، وضعیت را روشن می‌کند، سایای زخمی و ناتوان است، اما ایران‌خودرو با پرداخت‌های منظم هفتگی و برنامه‌ریزی قابل اتکا توانسته خود را سر پا نگه دارد. این تفاوت ساده به چه معناست؟ در یک جمله، ایران‌خودرو خصوصی است اما سایپا در چنیره تصدیک‌ری دولت گرفتار شده است. حالا دو پرسش مطرح می‌شود: اگر نظم مالی می‌تواند یک خودروساز را نجات دهد، چرا قاعده صنعت بر این نظم بنا نمی‌شود؟ چرا قطعه‌سازانی که فقط ۲۰ تا ۵۰ نیروی کار دارند، باید بین گرفتن وام سنگین یا تعدیل نیرویی‌ک را انتخاب کنند؟ کارگری که پشت دستگاه پرس ایستاده، قطعه‌سازی که چک‌هایش پاس نشده، مدبری که قیمت مواد اولیه‌اش هر روز تغییر می‌کند.

یادداشت

پیشرفت چین و غفلت ما

و چرا هیچ‌کدام از اینها در مسیر درست توسعه قرار نگرفته‌اند؟ از دست رفتن اعتمادبه‌نفس ایرانیان در برخورد با کشورهای توسعه‌یافته و خودکم‌بینی آنان به‌شدت آزاردهنده است و متأسفانه به نسل جوان و کودک ما هم منتقل شده است. از نظر اینجانب، سیاه و سفید دیدن مسئله پیشرفت و توسعه ایران یک خطای راهبردی است. قطعا کشورهای دیگر نیز یک شبه پیشرفت نکرده‌اند و ما نیز یک شبه عقب نمانده‌ایم و این امر کم‌کم و قدم به قدم رخ داده و گذشت زمان را بر بزرگ کرده است. بنابراین همه چیز را به پای نازکارآمدی حاکمیت و حکمرانان نوشتن، خطایی نابخشودنی است. با همه اینکه نازکارآمدی، ایدئولوژیک‌بودن، تقابل به‌جای تعامل با جهایان، نداشتن اولویت مشخص و برنامه عملیاتی دقیق برای توسعه، از نظر بیشتر دغدغه‌مندان ایراد وارده به حاکمیت و کارگزاران است. ولی به نظر اینجانب نازکارآمدی با عقب‌ماندگی از پیشرفت و توسعه خود معلول بوده و چیزی است که ما می‌بینیم و علت دقیق آن روشن و آشکار نیست و جواب آن قطعا یک‌کلمه‌ای انقلاب و تغییر حکومت نیست، بلکه عقب‌ماندگی در تک‌تک سلول‌های ما ایرانیان ریشه دوانده و در فرهنگ و تاریخ ما نهاده‌ین شده است و با ما زندگی می‌کند و فعلا هم پس زده نمی‌شود. در نتیجه، نه آن توان از پای درآوردن ما را دارد و نه ما توان دورانداختن آن را. یک زندگی انگلی که برای زنده‌ماندن به همدیگر نیاز داریم.

نوشته را با شعری از ملک‌الشعراى بهار به پایان می‌یرم:

این دود سیه‌فام که از بام وطن خاست / از ماست که بر ماست جان گر به لب ما رسد / از غیر نایلم، با کس نسنگایم از خویش بنایلم که جان سخن اینچاست / از ماست که بر ماست گویم که بیدار شدیم! این چه خیال‌ست؟ / بیداری ما چیست؟ بیداری طفلی است که محتاج به لالاساز / از ماست که بر ماست

با اینکه محمدرضا پهلوی در ۲۰ مهرماه ۱۳۵۰، در برابر مقبره کوروش در پاسارگاد قرار گرفت و خطابه معروف «کوروش! آسوده پخواب که ما بیداریم…» را قرائت کرد، ملک‌الشعراى بهار هم می‌گوید: گویم که بیدار شدیم! این چه خیال‌ست؟ بیداری ما چیست؟ به دنبال بیداری ایرانیان است و بیداری نصفه‌ونیمه را زیر سؤال می‌برد. و بنده خدا عباس‌میرزا هم تلاش می‌کرده: «جنبی حرف زن؛ بگو من چه باید بکنم که ایرانیان را هشیار نمایم، ایرانیان را از خواب چندصدها ساله بیدار کند. ولی صدایش به همه ایرانیان نمی‌رسید و احساس تنهایی و ناتوانی می‌کرد. خلاصه کلام، عباس‌میرزای عزیز! هنوز اکثریت ایرانیان به پیشرفت و توسعه علمی باور قلبی ندارند؛ نه اینکه نمی‌خواهند، بلکه در حرف و بدون هزینه این‌ را می‌خواهند و هنوز نتوانسته‌اند در عمل از منافع شخصی، حزبی، گروهی و قبیله‌ای عبور و به منافع ملی و اکثریت ورود کنند یا به عبارتی از من به عبور نکرده‌اند. ولی تعدادی از دغدغه‌مندان دارند تلاش می‌کنند و روز به روز به تعدادشان افزوده می‌شود و به انتظار و امید آن روز نشسته‌اند تا این غول خفته از قرن چهارم (دوره میانه اسلام و دوره شگوفایی علمی ایران) بیدار شود تا مثل چین، ژاپن یا کره جنوبی در مسیر پیشرفت و توسعه علمی و اقتصادی قرار گیرد.



از شوری دریا تا شیرینی تولید



پای خلیج فارس با همت فولاد مبارکه به اصفهان باز شد

توسعه صنعتی پایدار را هموار می‌کند. لازم می‌دانم از فولاد مبارکه و دیگر سهامداران عزیزى که در این مسیر نقش‌آفرینی کردند، قدردانی کنم. وزیر صمت تأکید کرد که توسعه‌های آینده کشور باید براساس سند پیشرفت مصوب دولت و برنامه هفتم انجام گیرد و افزود: وزارت صمت، معدن و تجارت و دولت چهاردهم با رویکرد دریا‌محور و بهره‌گیری از ظرفیت‌های پهنه‌های آبی، برنامه صنعت کشور را بازنگری کرده‌اند تا صنایع اصلی بر پایه این ظرفیت‌ها شکل بگیرند. خط لوله‌ای که امروز به بهره‌برداری رسیده و هزینه‌هایی که برای آن صرف شده، نتیجه جانمایی‌های گذشته است که اکنون به سرانجام رسیده است.

قطع وابستگی صنایع استان اصفهان به حوضه آبریز زاینده‌رود

سعید زرنندی، مدیرعامل گروه فولاد مبارکه، در آیین افتتاح این پروژه اعلام کرد: وظیفه خود می‌دانم احترام و ارادت خود را به مردم خونگرم و شریف اصفهان و همه مردم ایران و همچنین استاندار، نمایندگان، مدیران و دست‌اندرکاران استان و مجموعه فولاد مبارکه ابراز کنم. وقتی صحبت از آب در فلات مرکزی ایران می‌شود، سخن از یکی از جدی‌ترین چالش‌های کشور است که نیازمند تصمیمی علمی، دقیق و آینده‌نگرانه است. او ادامه داد: سال‌هاست آب در فلات مرکزی به یک مسئله حیاتی تبدیل شده و فولاد مبارکه با درک این شرایط، پروژه انتقال آب دریا به صنایع اصفهان را با شعار «از شوری دریا تا شیرینی تولید» آغاز کرده است. با این پروژه وابستگی صنایع استان به زاینده‌رود کاهش یافته و صنایع دیگر نیز تشویق به بهره‌وری بیشتر شده‌اند. زرنندی افزود: در این پروژه عظیم ۳۵ هزار میلیارد تومانی بیش از ۸۰۰ کیلومتر لوله‌گذاری انجام شده و فولاد مبارکه ۶۱۰ هزار تن فولاد ویژه خطوط فشار بالا تولید کرده است. بیش از ۵۳۰ کیلومتر از مسیر به صورت ثقیلی اجرا شد تا مصرف برق کاهش یابد و پنج ایستگاه پمپاژ حذف شوند. کل مسیر ۸۰۰کیلومتری تنها در دو سال تکمیل شد که رکوردی ملی است.

بهره‌وری ومسئولیت اجتماعی

او ادامه داد: مصرف آب برای تولید هر تن فولاد در آغاز فعالیت شرکت در سال ۱۳۷۱، ۱۶ مترمکعب بود، اما امروز با ارتقای بهره‌وری و اقدامات گسترده، این رقم به ۲.۵ مترمکعب کاهش یافته است. درحالی‌که میانگین جهانی حدود چهار مترمکعب است. فولاد مبارکه در میان موفق‌ترین شرکت‌های جهان در زمینه بهره‌وری آب قرار دارد. زرندی تأکید کرد: نقش فولاد مبارکه در این پروژه فراتر از یک بنگاه اقتصادی بوده و

بحران آب و ضرورت جهش فناورانه

تسهیلات قابل توجهی بهره‌مند شده‌اند و قرار است بخش مهمی از مشکلات صنعت آب در مقیاس نیمه‌صنعتی و صنعتی در همین پارک آزمایش و حل شود. در کنار این تحولات، مرکز منطقه‌ای مدیریت آب شهری یونسکو در

ایران نیز تلاش کرده نقش فعالی در ظرفیت‌سازی، آموزش و انتقال فناوری‌های نوین ایفا کند. اما مجموع این اقدامات هنوز نتوانسته شکاف بزرگ میان دانشگاه، صنعت و سیاست‌گذاری را پر کند. بزرگ‌ترین چالش، نبود پیوند مؤثر دانشگاه-پارک-صنعت است. همان‌گونه که دکتر شهیکی، معاون وزیر علوم یادآور شده است، بسیاری از دانشگاه‌ها شناخت کافی از نیازهای واقعی صنعت آب ندارند؛ زنجیره‌ای که از پژوهش شروع می‌شود و به محصول ختم می‌شود، به دلیل کاهش کیفیت ورودی‌های تحصیلات تکمیلی، ضعف ساختارهای آزمایشگاهی و کمبود سرمایه‌ خطرپذیر، بارها در میانه مسیر قطع می‌شود. حوزه آب در رقابت با فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی و زیست‌فناوری نیز جذابیتی مالی و سرعت رشد لازم را ندارد؛ بازار آن مبهم، ذی‌نفعان پیچیده و زمان بازگشت سرمایه طولانی است. در چنین شرایطی، راه‌اندازی فیلب تخصصی آب فقط زمانی می‌تواند اثرگذار باشد که به بخشی از یک نقشه راه ملی تبدیل شود. یک فیلب نباید به کارگاهی برای ساخت نمونه‌های آزمایشی محدود شود، بلکه باید مأموریت داشته باشد چالش‌های مشخص، فوری و بزرگ صنعت آب را هدف بگیرد؛ کاهش هدررفت آب شهری، تصفیه پساب صنعتی، شیرین‌سازی کم‌هزینه، مدیریت آب زیرزمینی، پایش لخط‌های کیفیت و سنجش از دور، برای تحقق این مأموریت، هماهنگی میان وزارت علوم و وزارت نیرو حیاتی است. فیلب باید مرحله ایده‌پردازی و نمونه‌سازی را پشتیبانی کند و پارک نیرو مسئول آزمایش صنعتی، تدوین استاندارد و جذب سرمایه‌گذار شود. همکاری این دو نهاد می‌تواند زنجیره‌ای مؤثر بسازد که امروز در کشور غایب است. اما نکته کلیدی این است که هیچ زیست‌بوم نوآوری بدون بازار پایدار زنده نمی‌ماند. صنعت آب در ایران هنوز فاقد سازوکارهای اقتصادی برای استقبال از نوآوری است. اگر شرکت‌های آب‌فا و صنایع صنعت آب بررسی کند. پارک علم و فناوری نیرو با دو ناحیه «برق و انرژی» و «آب و فاضلاب» و با استقرار در کنار موسسه تحقیقات آب، مهم‌ترین تلاش‌های ساختاری برای استفاده از فناوری‌های نوین آب در صنایع، کشاورزی و مدیریت شهری تسهیلات جدی ارائه دهد، آنگاه کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و دانشگاه‌ها انگیزه لازم برای ورود به این حوزه را خواهند داشت. اعلام ایجاد فیلب تخصصی آب، در کنار سایر حرکت‌های موازی وزارت نیرو و نهادهای علمی می‌تواند نقطه آغاز یک تحول واقعی باشد؛ اما شرط آن، ساختن یک اکوسیستم یکپارچه، هدف‌محور و جذاب است. اکوسیستمی که در آن ایده در دانشگاه شکل گیرد، در فیلب تبدیل به نمونه شود، در پارک نیرو به محصول برسد و با خرید تضمینی دولت وارد صنعت شود. فقط در چنین چرخه‌ای می‌توان امید داشت که ایران بتواند از سایه بحران آب عبور کند و آینده‌ای پایدارتر برای نسل‌های بعد بسازد.

یادداشت

رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط از نگاهی دیگر

مرتضی افقه:اقتصاددان

طرح جدید سازمان شرکت‌های صنعتی مبنی بر رتبه‌بندی واحدهای کوچک و متوسط، در ظاهر می‌تواند اقدامی ضروری و دیرینه‌گام برای بازآرایی ساختار تولید باشد. این واحدها از جنبه‌های مختلف -ازجمله نقش در اشتغال، تولید و پویایی اقتصادی- اهمیت بالایی دارند. بااین‌حال، وضعیت فعلی آنها نشان می‌دهد که بخش درخور توجهی از این بنگاه‌ها سال‌هاست با مشکلاتی جدی دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ تعداد زیادی تعطیل‌اند، برخی تنها با ۵۰ درصد ظرفیت فعالیت می‌کنند و بخش شایان توجهی از واحدهای مستقر در شهرک‌های صنعتی نیز عملاً به انبار یا واحدهای نیمه‌تعطیل تبدیل شده‌اند. آمارها نیز تأیید می‌کند که تنها حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد این واحدها فعال هستند. در چنین شرایطی، طرح رتبه‌بندی اگر با هدف شناسایی دقیق وضعیت واحدهای فعال، رفع مشکلات ساختاری و تفکیک بنگاه‌ها به تولیداناز واحدهای ناکارآمد اجرا شود، بالقوه می‌تواند اثربخش باشد؛ به‌ویژه آنکه سال‌هاست نبود آمار دقیق از استقرار صنایع و کیفیت فعالیت آنها، یکی از خلأهای سیاست‌گذاری صنعتی بوده است. در این طرح گفته می‌شود قرار است واحدها براساس شاخص‌هایی همچون عملکرد زیست‌محیطی، بهره‌وری، نقش در صادرات، میزان اشتغال‌زایی و سایر معیارهای کلیدی ارزیابی شوند و به واحدهایی که در مسیر درست حرکت می‌کنند، امتیازات مشخصی اختصاص یابد. اجرای مؤثر طرح، بیش از هر چیز به قاطعیت و اصلاحات ساختاری نیاز دارد. تجربه نشان می‌دهد در گذشته بخشی از واحدهایی که امتیازاتی در شهرک‌های صنعتی دارند، این امتیازات را نه براساس شایستگی، بلکه از مسیر رانت به دست آورده‌اند؛ مسئله‌ای که در بسیاری از بخش‌های اقتصادی کشور تکرار می‌شود. بنابراین، اگر رتبه‌بندی قرار است واقعی باشد، باید به‌گونه‌ای عمل شود که شایستگیان بر صدر بایستند تا انگیزه‌ای برای سایر بنگاه‌ها شود. در شرایط فعلی اقتصاد ایران، این طرح شاید در اولویت نخست قرار نگیرد؛ مگر آنکه به‌طور مستقیم به حمایت جدی از واحدهای فعال و دارای توان تولید منجر شود. اگر چنین شود، حتی در همین فضای بحرانی نیز می‌تواند آثار مثبتی به همراه داشته باشد. بسیاری از مشکلات این واحدها داخلی است و رفع آنها الزاماً به حل مسئله تحریم وابسته نیست. افزایش تولید می‌تواند فشار تورمی را کاهش دهد و با توجه به ماهیت کاربربودن این صنایع، زمینه اشتغال‌زایی نیز فراهم شود. در این شرایط حساس، هر اقدام جردی در سیاست‌گذاری صنعتی، به معنای از دست دادن فرصت‌هایی است که اقتصاد ایران دیگر نتوان جایگزینی آنها را ندارد. بنابراین، باید همه دست‌اندرکاران تلاش کنند طرح برخلاف طرح‌های مشابه، از استحکام و دقت لازم برخوردار شود تا امید و انگیزه را در جامعه هدف ایجاد کرده و پایه‌ای محکم و استوار برای سال‌های آینده شود.

خبر

کارت‌های جایگاه‌های سوخت افزایش می‌یابد

مدیر سامانه هوشمند سوخت با رد هرگونه کاهش سهمیه کارت‌های سوخت در جایگاه‌ها از برنامه افزایش تعداد کارت‌های سوخت شهروندان به منظور جلوگیری از بروز مشکل در فرایند سوخت‌گیری خبر داد. به گزارش ایسنا، عباس باصفا درباره کاهش تعداد کارت‌های سوخت در برخی جایگاه‌ها گفت: بعد از اینکه طراحی شد، ما الان تعداد کارت‌های سوخت جایگاه‌ها را هم افزایش دادیم و فکر نمی‌کنم هروطمان مشکلی در فرایند سوخت‌گیری از طریق کارت‌های آزاد داشته باشند.

او در یک مصاحبه تلویزیونی افزود: درحال حاضر هیچ جایگاهی سهمیه کارت‌هایش را کم نکرده و برنامه داریم که تعداد را افزایش بدهیم تا مشکلی برای هم‌وطنان پیش نیابد.